

شیوه تکمیل کاربرگ مسأله‌شناسی

کاربرگ یک - مختصات مسأله

۱. کد مس. حاوی کد مسأله خواهد بود. این کد را پژوهشگر به صورت زیادشونده از یک آغاز نموده و به ترتیب برای هر فرم یک کد متفاوت ثبت می‌نماید.
۲. کد پژ. هر پژوهشگر یک کد مخصوص به خود دارد که در این فیلد ثبت می‌شود.
۳. ترکیب کد پژ. و کد مس. به ترتیب یک کد ویژه و منحصر به فرد برای هر کاربرگ ایجاد می‌نمایند. مانند: ۱۲-۴۵. در این نمونه، پژوهشگری با کد ۴۵ دوازدهمین کاربرگ مسأله‌شناسی خود را ثبت کرده است. این کد موقتی می‌باشد.
۴. کد بانک اطلاعات توسط رایانه تعیین می‌شود. وقتی داده‌های کاربرگ وارد بانک اطلاعات شد، کدی که به صورت خودکار به آن رکورد اختصاص می‌یابد، توسط اپراتور در این فیلد ثبت می‌گردد.
۵. تاریخ ثبت اطلاعات توسط پژوهشگر و هنگام آغاز ورود اطلاعات به کاربرگ تکمیل می‌گردد.
۶. تاریخ بازبینی و بررسی زمانی ثبت می‌شود که ناظر اطلاعات در حال بررسی اولیه کاربرگ‌های ارائه شده از سوی پژوهشگر است.
۷. اپراتور پس از ورود اطلاعات هر کاربرگ به بانک اطلاعات، ضمن ثبت کد بانک اطلاعات، تاریخ ثبت رایانه‌ای را نیز ثبت می‌کند.
۸. پژوهشگر عنوانی را برای مسأله در نظر می‌گیرد و آن را در فیلد «عنوان اولیه مسأله» درج می‌نماید.
۹. ناظر هنگام بررسی کاربرگ، با توجه به سایر مسأله‌هایی که توسط سایر پژوهشگران جمع‌آوری شده، یک عنوان اصلاح‌شده و نهایی برای مسأله ثبت می‌کند.
۱۰. محدوده جغرافیایی مشخصی که مسأله در آن مشاهده شده و در گزارش‌ها طرح گردیده است، به ترتیب با تکمیل فیلدهای: کشور، استان، شهر و در نهایت «مکان» معین می‌شود. اگر یک پدیده در مقیاسی وسیع مسأله باشد، مثلاً کل کشور، در خانه‌های استان، شهر و مکان خط کشیده می‌شود. فیلد مکان در صورت لزوم می‌تواند حاوی نام یک صنف خاص یا یک سازمان و مؤسسه مشخص باشد. مثلاً: دانشگاه تهران، یا نمایندگی‌های ولی فقیه در دانشگاه‌ها.
۱۱. مبدأ زمانی پیدایش مسأله می‌تواند یک تاریخ خاص باشد، مثلاً: فروردین ۱۳۸۶، یا یک هم‌زمانی با پدیده‌ای دیگر، مثلاً: هم‌زمان با پایان جنگ تحمیلی. پژوهشگر روشی را انتخاب می‌نماید که بهتر بتواند نقطه «آغاز» مسأله را توصیف نماید.
۱۲. پس از ثبت مبدأ زمانی مشخصی که مسأله از آن زمان پیدا شده و گزارش گردیده است، می‌توان شرح وضعیتی ارائه نمود از دوران پیش از بروز آن مسأله. پژوهشگر وضعیتی را توصیف می‌نماید که هنوز مسأله مورد نظر یا وجود نداشته و یا در صورت وجود، نگرانی ایجاد نمی‌کرده و «مسأله» نبوده است.
۱۳. معلول بدون علت پیدا نمی‌شود و بروز هر مسأله‌ای بی‌تردید مبتنی بر علت‌هایی است. اگر چه در مرحله نخست مسأله‌شناسی شاید نتوان عوامل قطعی آن را بازگو نمود، اما آن مواردی که احتمالاً می‌توانند دلیل پیدایش مسأله باشند در بخش مربوط به خود ذکر می‌گردند.
۱۴. اگر مسأله مورد نظر آسیبی در جامعه ایجاد نمی‌کرد، مسأله نمی‌شد. پژوهشگر فهرستی از آسیب‌هایی را که قطعاً یا احتمالاً در صورت بقای مسأله حادث خواهند شد در بخش مربوطه از فرم ثبت می‌کند.

۱۵. بسامد کل گزارشات؛ تعداد مرتبه‌ای است که مسأله گزارش شده، فارغ از این که خبری مشابه باشد که بارها تکرار گردیده، یا خبرهای متعدد و گوناگون از یک مسأله واحد. بسامد کل، از جمع بسامدهای هر کاربرگ گزارش ضمیمه شده به دست می‌آید.

۱۶. تعداد کاربرگ گزارش ضمیمه؛ اما متفاوت از بسامد کل گزارشات است. با توجه به این که هر گزارش یک بار در کاربرگ مستقل ثبت می‌گردد و خبرهای تکراری مشترکاً در یک کاربرگ ثبت می‌شوند، این عدد تعداد واقعی گزارش‌شدگی مسأله را بیان می‌نماید. خبر تکراری خبری است که «به نقل» از فرد یا خبرگزاری دیگری بیان شده که مبدأ نیز سابق بر آن خبر را نشر داده.

۱۷. ارزشداد کل گزارشات؛ یکی از چهار گزینه «الف»، «ب»، «ج» یا «د» است که با گرفتن میانگین از فیلدهای ارزشداد گزارشات ضمیمه به دست می‌آید. «د» با داشتن اهمیت کمتر و «الف» با داشتن بیشترین اهمیت، توصیف‌گر ارزشی است که گزارشگران مسأله هنگام توصیف آن ارائه نموده‌اند. هر فرد یا خبرگزاری هنگام پرداختن به یک مسأله، اهمیت و ارزش متفاوتی با سایر مسائل به آن می‌دهد. مانند: انتشار گزارش در صفحه نخست، اختصاص تعداد ستون‌های بیشتر، استفاده از تصاویر بزرگ‌تر، قلم‌های درشت‌تر، سوتیترهای بیشتر و از این قبیل مختصات ژورنالیستی. این اهمیت دادن با چهار گزینه فوق توصیف می‌شود.

۱۸. چهار گزینه توصیفی برای این که قابل میانگین‌گیری باشند، با اعدادی بین ۱ تا ۱۲ کمی می‌شوند. جدول زیر مقادیر کمی هر یک را نشان می‌دهد. مطابق این جدول، می‌توان ارزشداد تمامی گزارشات را میانگین‌گیری نموده به فیلد «ارزشداد کل» از کاربرگ جاری منتقل ساخت.

ارزشداد کیفی الف	بین ۱۰ تا ۱۲
ارزشداد کیفی ب	بین ۷ تا ۹
ارزشداد کیفی ج	بین ۴ تا ۶
ارزشداد کیفی د	بین ۱ تا ۳

۱۹. پس از ثبت اطلاعات مسأله توسط پژوهشگر، ناظر کاربرگ را بررسی نموده و دیدگاه خود را در ذیل برگه ثبت می‌کند. این دیدگاه دو بخش: اجمالی و تفصیلی دارد. در بخش اجمالی با علامت زدن «تأیید» یا «رد» خلاصه نظر خود را بیان می‌نماید و در بخش تفصیلی، در قالب حداکثر دو خط توضیح، تفسیری از نظر خود را ارائه می‌کند.

۲۰. کاربرگ‌هایی که «تأیید» ناظر را دریافت نمایند، برای ثبت رایانه‌ای و درج در بانک اطلاعات تحویل اپراتور می‌شوند.

۲۱. کاربرگ‌هایی که از سوی ناظر «رد» می‌گردند، برای بررسی دوباره به پژوهشگر بازگردانده شده، در صورت موافقت پژوهشگر از گردش کار خارج می‌گردند.

۲۲. در صورتی که پژوهشگر بر مسأله‌شناسی خود اصرار داشته باشد، مسأله به مدیر اجرایی پروژه ارجاع خواهد شد. این قبیل مسأله‌ها با حضور پژوهشگر، ناظر و مدیر پروژه و همچنین کارشناسانی که مدیر حضورشان را مفید بداند، مورد بررسی نهایی قرار خواهند گرفت.



کاربرگ دو - گزارش مسأله

۱. شیوه دستیابی ما به هر مسأله از طریق «گزارش» است. این که فرد یا گروهی مشکلی را در جامعه گزارش نمایند، در منطقه‌ای خاص و در زمانی خاص. هر گزارش در یک کاربرگ مستقل ثبت می‌شود.
۲. هنگامی که یک نهاد حاکمیتی مسأله‌ای را طرح می‌نماید، آن نیز گزارش محسوب می‌گردد. بنابراین، دغدغه‌هایی که از سوی مقام معظم رهبری بیان می‌گردند نیز می‌توانند هر کدام به عنوان گزارشی از یک یا چند مسأله مورد بررسی قرار بگیرند.
۳. هر گزارش به صورت مستقل به رایانه وارد می‌شود و در بانک اطلاعاتی مستقلی نگهداری می‌شود و از طریق کد دو بخشی مسأله (کد مس. - کد پژ.) به مسأله مزبور متصل می‌گردد.
۴. مستقل بودن گزارش از مسأله این امکان را پدید می‌آورد که در آینده با دسترسی به گزارش‌های بیشتر، بدون نیاز به ثبت دوباره مسأله، بسامدها تغییر نموده و اولویت مسائل به روز گردند.
۵. پژوهشگر زمانی که در حال تکمیل کاربرگ گزارش است، تاریخ روز را در فیلد «تاریخ ثبت گزارش» وارد می‌کند.
۶. وی کدهایی را به گزارشات خود منتسب می‌نماید که از یک آغاز شده و به ترتیب افزایش می‌یابند. بدین ترتیب هر گزارش نیز از طریق کد ترکیبی (کد گز. - کد پژ.) قابل ارجاع خواهد بود، تا زمانی که ثبت رایانه‌ای شود و کد بانک اطلاعات در آن درج گردد.
۷. تاریخ نشر گزارش؛ زمانی است که مطلب مزبور توسط ناشر آن منتشر شده است.
۸. عنوان گزارش؛ دقیقاً همان عنوانی خواهد بود که خود گزارشگر ثبت نموده.
۹. در مواردی که گزارش از سخنرانی یا محتوایی استخراج شده که عنوان مشخصی ندارد، پژوهشگر عنوانی را به گزارش اختصاص خواهد داد که توصیفگر همان محتوا باشد، مانند: بیانات رهبری در تبریک سال ۱۳۹۵.
۱۰. در صورتی که گزارش از اینترنت به دست آمده باشد، نشانی آن در فیلد مخصوصی ثبت می‌گردد.
۱۱. کشور، استان و شهر توصیفگر مکانی هستند که «ناشر» در آن مکان گزارش را منتشر ساخته است. مثلاً در صورتی که سخنرانی مقام معظم رهبری در مشهد صورت پذیرفته باشد، آن نشانی ثبت خواهد شد.
۱۲. اگر گزارش درباره مبداء زمانی پدایش مسأله، وضعیت پیش از آن، عوامل رخداد مسأله و دامنه‌های آسیب دیدگاه‌هایی را طرح کرده باشد، در بخش مربوط به خود یادداشت می‌شوند.
۱۳. راه‌حل‌هایی که در متن گزارش برای رفع مسأله ذکر شده باشند نیز در بخشی مستقل ثبت می‌گردند.
۱۴. احياناً اگر گزارش نسبت به بیان ابعاد موضوعی مسأله اقدام نموده باشد، مثلاً گفته باشد: «مسأله فوق علاوه بر این که بیشتر جنبه اقتصادی دارد و به میزان نرخ بهره بانکی وابسته است، در بُعد فرهنگی، رواج مصرف‌گرایی در خانواده‌ها نیز به آن دامن می‌زند». در این مورد، موضوعات «اقتصاد-بانک-نرخ بهره» و «فرهنگ-مصرف‌گرایی-خانواده» را در بخش مربوط به موضوعات می‌نویسم. این کار به ما کمک می‌نماید تا در مراحل بعدی مسأله‌شناسی نسبت به تجمیع ابعاد موضوعی بهتر عمل نماییم.
۱۵. گزارش‌ها معمولاً توسط رسانه‌های متعدد تکرار می‌شوند؛ بارها در قالب گزارش، خبر، مصاحبه و شیوه‌های دیگر نشر. بررسی فراوانی این گزارش‌ها می‌تواند دانش ما را در میزان اهمیت «مسأله» از نگاه رسانه‌ها بالا ببرد. این دانش دو بعد کمی و کیفی دارد.
۱۶. در بخش «منابع تکرارکننده گزارش» اسامی ناشرانی می‌آید که گزارش مورد نظر را بازنشر داده‌اند.
۱۷. بسامد؛ گزارش کمی فراوانی تکرار مسأله است. اگر مطلب بازنشر نشده، این عدد یک خواهد بود. ولی در صورت بازنشر، به تعداد نشر دوباره، بر این عدد افزوده خواهد شد.

۱۸. ارزشداد؛ بیانگر ارزشی است که ناشر به مسأله داده است. اگر نشر در قالب یک سخنرانی باشد، طنین صدا، واژگان به کار رفته، اهمیت مکان و زمان بیان مطلب، می‌توانند جزئی از قرائنی باشند که میزان اهمیت مسأله نزد گوینده را بازگو می‌کنند.

۱۹. در یک نشریه مکتوب یا اینترنتی، محل قرارگیری گزارش، میزان فضای اختصاص یافته به آن، تعداد و اندازه تصاویر به کار رفته، تیتراها و سوتیتراها، همه و همه، مضاف به موارد دیگری که به سادگی قابل توصیف نیستند، می‌توانند دخیل در ارزشداد مسأله از نگاه ناشر باشند.

۲۰. اهمیت خود «ناشر» نیز در ارزشداد مسأله مدخلیت دارد. پژوهشگر باید تشخیص دهد که شأن نخبگی نویسنده یا گوینده تا چه میزان در اولویت دادن به مسأله مؤثر است و آن را در تعیین ارزشداد مسأله دخالت دهد.

۲۱. روشن است که ارزشداد یک امر کیفی است و نمی‌توان به سادگی برای آن خطوط مشخص و معین قرار داد. از این رو، تا حد زیادی به درک و فهم پژوهشگر بازگشت می‌کند.

۲۲. با توجه به این که در کاربرد یک بایستی میانگین ارزشداد مسأله ذکر شود، نیازمند اعدادی هستیم که در امر محاسبه میانگین به ما یاری رسانند. در مواردی که بیش از یک گزارش برای مسأله وجود داشته باشد، اعدادی که متناظر با هر کدام از وضعیت‌های کیفی چهارگانه در کاربرد ثبت شده‌اند، به ما در محاسبه کمک خواهند نمود.

۲۳. پیش از ثبت کاربرد گزارش در بانک اطلاعات، ناظر آن را بررسی می‌نماید. اگر نواقصی در ثبت گزارش موجود باشد، با «رد» کردن و ذکر دلیل، آن را به پژوهشگر باز می‌گرداند.

۲۴. پژوهشگر هنگامی که کاربرد «یک» مختصات مسأله را تکمیل می‌نماید، حداقل یک کاربرد «دو» گزارش مسأله ضمیمه آن خواهد نمود. این تعداد، حداکثری ندارد و به تعداد گزارشات موجود در رسانه‌ها بازگشت می‌نماید.

کاربرگ سه - کارتکس مسائل

۱. برای تسهیل دسترسی سریع به مسائل، کارتکس مسائل مشتمل بر عناوین مسائل و پاره‌ای داده‌های اصلی هر مسأله است.
۲. کد مسأله؛ ترکیبی از کد پژوهشگر و کد مسأله است که هنگام ورود اطلاعات کاربرد هر مسأله در آن درج می‌گردد. این کد به صورت: «کد مسأله - کد پژوهشگر» ثبت می‌شود.
۳. پس از ذکر عنوان مسأله، بسامد و ارزشداد نهایی هر مسأله که در کاربرد مختصات (یک) آن درج شده است، در کارتکس ثبت می‌گردد.
۴. زمانی که کاربرد مسأله تکمیل شده در «تاریخ ثبت» و زمانی که کاربرد تحلیل آن مسأله تکمیل شده است، در «تاریخ تحلیل» ثبت می‌گردد. زمان بایگانی شدن کاربرد مختصات مسأله (یک)، تاریخ بایگانی شدن در ستون «تاریخ بایگانی» درج می‌شود.
۵. با توجه به این که کارتکس‌ها پشت سر هم تکمیل می‌گردند، جهت حفظ ترتیب صفحات، شماره صفحه کارتکس از یک آغاز شده و هر برگه، شماره مختص به خود خواهد داشت.

کاربرگ چهار - تحلیل مسأله

۱. کد مسأله و کد پژوهشگر عیناً از کاربرد مختصات مسأله منتقل می‌گردد.
۲. تاریخ ثبت تحلیل توسط پژوهشگر و هنگام ثبت تحلیل درج می‌گردد.
۳. تاریخ بازبینی و بررسی مربوط به نظارت بوده و توسط ناظر ثبت می‌شود.



۴. پس از ثبت در بانک اطلاعات رایانه‌ای نیز، کد ارائه شده توسط نرم‌افزار در بخش مربوطه از کاربرگ درج می‌شود.
۵. عنوان مسأله و دو بخش بعدی؛ عوامل پیدایش و آسیب‌های تداوم، از کاربرگ مختصات مسأله نقل می‌گردد و در این کاربرگ، در صورت تشخیص پژوهشگر، مواردی به آن‌ها اضافه می‌گردد.
۶. همه این اطلاعات تکراری برای این است که فضا را برای مشاهده دو نوع از ارتباط مهیا نماید؛ ارتباط مسأله با سایر مسائل و ارتباط آن با موضوعات.
۷. با توجه به این‌که پدیده‌ها در ارتباط با هم روی داده و نسبت سبب و مسببی دارند، هر مسأله در زنجیره‌ای از مسائلی قرار می‌گیرد که قبل و بعد از آن واقع شده‌اند (اصل دومینو). مسائلی وجود دارند که بدون واسطه سبب پیدایش مسأله حاضر می‌گردند و طبیعتاً مسائلی نیز وجود دارند که این مسأله مستقیماً سبب حادث شدن آن‌هاست. مانند: مسأله بدحجابی <مسأله مزاحمت‌های خیابانی> مسأله ناامنی اجتماعی
۸. عنوان گروه اول از مسائل، آن‌هایی که مستقیماً سبب پیدایش مسأله مورد نظر ما هستند، در بخش «فهرست مسائل منجر به بروز» نوشته می‌شود.
۹. گروه دوم از مسائل، مواردی که مسأله ما سبب رویدادن آن‌هاست، در بخش بعدی ثبت می‌گردند.
۱۰. طبیعتاً پاره‌ای از این مسائل قبلاً در کاربرگ‌های دیگر مسأله‌شناسی، شناسایی و ثبت شده‌اند. در صورتی که مسائل جدیدی در این دو بخش یافت شوند، برای بررسی اولیه آن‌ها اقدام خواهد شد. اگر تحقیقات میدانی، گزارش‌های مکفی برای آن‌ها نتیجه دهد، آن‌ها نیز در بانک مسأله‌شناسی ثبت خواهند گردید.
۱۱. موضوعات مرتبط با مسأله، دامنه گسترده‌تری دارند. پاره‌ای موضوعات در تشدید مسأله نقش دارند و پاره‌ای می‌توانند از شدت مسأله بکاهند. فراموش نکنیم که منظور ما از مسأله، نوعی «بحران اجتماعی» است. مثلاً نسبت به مسأله «بدحجابی»، موضوعاتی مانند: ماهواره و شبکه‌های اجتماعی نقش تشدیدکننده دارند، زیرا تجربه نشان داده نسبت مستقیمی میان استفاده از ماهواره و شبکه‌های اجتماعی با میل به بدحجابی وجود دارد. موضوعاتی مانند: نماز جماعت در مساجد و عضویت در گروه‌های مذهبی نیز نقش کاهنده در مسأله بدحجابی دارند.
۱۲. در سوی مقابل، هر مسأله نیز بر موضوعات پیرامون خود اثر می‌گذارد. می‌تواند بعضی موضوعات را حساس نماید، به نحوی که بیشتر مورد توجه قرار گیرند. مانند: کنسرت‌های موسیقی که مسأله بدحجابی سبب توجه بیشتر به آن می‌شود. مسأله می‌تواند حساسیت بعضی موضوعات را نیز کم نماید. مانند: غیرت، که تداوم مسأله بدحجابی سبب کاهش اهمیت این موضوع می‌گردد.
۱۳. هر دسته از موضوعات چهارگانه، در بخش مربوط به خود نوشته می‌شوند.
۱۴. در نهایت، تعداد هر دسته از مسائل و موضوعات مرتبط در بخش مربوط به خود نوشته شده، تعداد کل آن‌ها نیز محاسبه و ثبت می‌گردد. این اعداد به تحلیلگر کمک می‌نماید تا در یک نمای کلی، حجم ارتباطات یک مسأله را حدس بزند.
۱۵. دو نوع ارتباط می‌تواند بر اهمیت یک مسأله بیافزایند؛ نخست تعداد مسائل و موضوعات مرتبط. هر چه تعداد مسائل و موضوعات مرتبط با یک مسأله بیشتر باشد، حاکی از نقش پررنگ‌تر آن مسأله در جامعه است. دیگری ارزشدادن مسائل مرتبط است. هر چه مسائل مرتبط با یک مسأله دارای ارزش بیشتری باشند، می‌تواند بر اهمیت مسأله مورد نظر بیافزاید.
۱۶. در نهایت، نظر ناظر ذیل کاربرگ درج شده، در صورت «رد» برای اصلاح به تحلیلگر باز گردانده می‌شود.